

سفیر پیشین ایران در آلمان:

۹۹ درصد دیپلمات‌ها مطمئن بودند که قطعنامه علیه ایران رای می‌آورد

سفیر اسبق ایران در آلمان در تحلیل خود از عدم همراهی کشورهای که با ایران روابط نزدیکی دارند، اظهار داشت: در مجموع اگر بخواهیم در نظر بگیریم، وقتی آمریکا و سه کشور اصلی اروپایی یک قطعنامه‌ای را در جلسه شورای حکام ارائه می‌دهند معمولاً رای می‌آورد. هر چند که آقای عراقچی هم انصافاً زحمت کشیدند و با کشورهای مختلف لابی کردند، اما فقط سه کشور رای مخالف دادند و تعداد آرای منتع هم نسبتاً افزایش یافته بود. به طور کلی باید در نظر بگیریم که در صحنه بین‌الملل ما با قدرت‌های بزرگ داریم دست و پنجه نرم می‌کنیم. درست است که با چین و روسیه رابطه خوبی داریم ولی عملاً با قدرت‌های بزرگ آمریکا و اروپا مواجه هستیم. علی‌ماجدی گفت: چین و روسیه شاید در قطعنامه سازمان ملل بتوانند وتو کنند، اما در بقیه موارد اینچنینی از آنجا که اتحادیه اروپا بالغ بر چند کشور پراکنده است، ما نمی‌توانیم موفق باشیم و این را باید ببذیریم. چین و روسیه ممکن است در مواقعی که حق وتو دارند، مانع صدور قطعنامه شوند، آن‌ها هم به شرط اینکه همراهی کنند که در مواقعی هم پیش آمده که این همراهی را نکرده‌ند. در بقیه موارد وقتی آمریکا و سه قدرت اصلی اروپایی یک مسأله‌ای را مطرح می‌کنند معمولاً رای می‌آورد؛ بنابراین نباید بگذاریم که کار به اینجا برسد، چرا که به پای قدرت این کشورها نمی‌رسیم. وی ضمن بیان این‌تنکه که دنیای بین‌الملل دنیای قدرت است، افزود: «ما باید این را بفهمیم که دنیای سیاست، دنیای قدرت است و از این رو به اجبار هم که شده باید با این قدرت‌ها رابطه داشته باشیم. وقتی رابطه ما با اروپا به شرایط فعلی می‌رسد که علیه ما تحریم‌هایی را اعمال می‌کنند، عملاً دیگر جایگاه قبلی را نداریم؛ بنابراین هر چقدر هم تلاش کنید، راه به جایی نمی‌برد. ما باید از تجربه چند ساله‌ای که داریم استفاده کنیم که متأسفانه چنین رویه‌ای را نمی‌بینیم و نتیجه‌اش می‌شود صدور قطعنامه‌های ضد ایرانی. ما جدی در پاسخ به کاری که آمریکا در قطعنامه دیپلماتی بر می‌آمد تا به نشست به صدور قطعنامه منجر نشود؟ اظهار کرد: هیچ! تمام کاری که دستگاه دیپلماتی باید انجام می‌داد این بود که لابی کند و این کار را هم انجام داد. کشورهای یکسان می‌گیرند. البته خوشبختانه درباره نتانیاهو موضع اتحادیه یکسان نیست و به دلیل نسل‌کشی‌های اسرائیل، کشورهای اروپایی هم از حکم دادگاه بین‌الملل دفاع کردند، اما در بقیه موارد معمولاً یکپارچه هستند. در بریکس هم چنین امری مطرح نیست که کشورها در صحنه بین‌الملل با چیزی مخالفت کنند. این تحلیلگر مسائل بین‌الملل خاطرنشان کرد: رفتارهای بین‌المللی را باید شناسایی کنیم و سرمایه‌گذاری خود را از غرب به شرق بکنیم. ما مجبور هستیم که با غرب کار کنیم و گفت‌وگو انجام دهیم. وقتی نمی‌خواهید با یک قدرت جهانی گفت‌وگو کنید، بسیاری از فرصت‌ها را از دست می‌دهید. ما جدی در پاسخ به اینکه کشورهای که با ایران روابط نزدیکی داشتند، برای خود چه ساز و کاری در نظر گرفته بودند که در زمین ایران بازی نکرده‌ند؟ به اقتصاد ۲۴ گفت: «هر کشوری منافع خود را در درجه اول در نظر می‌گیرد. این کشورها منافع خود را در ارتباط با کشورهای قدرتمند می‌بینند. درواقع هیچ کشوری به دلیل کشور دیگری از منافع خود نمی‌گذرد. آنها محاسبه می‌کنند که اگر در این مقطع به ایران رای مثبت بدهد، چه امتیازهایی را به دست می‌آورد و چه امتیازهایی را از دست می‌دهند. به بیانی ساده‌تر، معدل‌گیری می‌کنند که اگر به ایران رای دهند، درازایش ممکن است روابطشان با کشورهایمانند آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان تحت تأثیر قرارگیرد. سفیر سابق ایران در آلمان تصریح کرد: تمام کشورها اول منافع ملی خود را محاسبه می‌کنند و بعد تصمیم می‌گیرند که چه موضعی داشته باشند. مثلاً چین و روسیه رای منفی دادند، چون با ایران رابطه خوبی دارند. شش کشوری هم که رای منتع دادند، محاسبه کردند که در صحنه بین‌الملل با توجه به روابطی که با کشورهای شورای حکام دارند، به نفعشان است که رای منتع دهند. قضیه به همین سادگی است و از قبل هم پیش‌بینی می‌شد که این قطعنامه رای می‌آورد. کمالاتی که اگر از پیش از دیپلمات‌ها می‌پرسیدید، ۹۹ درصد آنها مطمئن بودند که این قطعنامه رای می‌آورد.

دوشنبه
۰۵ • ۰۶ • ۱۴۰۳

سال هفتم
شماره ۱۹۸۰

۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۶ / ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴

سید جلال ساداتیان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

گفت‌وگو با اروپایی‌ها را چندان مثبت نمی‌بینم



در شرایط برزخ با چه کسی می‌خواهیم مذاکره کنیم؟

قرار است مذاکرات ایران و اروپا بر چه اساسی صورت گیرد؟

اروپایی‌ها سنگ بنای فعال‌سازی مکانیزم ماشه را بنا نهاده‌اند

آرمان ملی – حمید شجاعی؛ روز گذشته رسانه‌ها خبرهایی مبنی بر از سرگیری مذاکرات هسته‌ای ایران و اروپا پس از دو سال در ژنو سوئیس منتشر کردند. مذاکراتی که از چند و چون آن خبری در دست نیست و مشخص نیست که قرار است بر چه مبنایی مذاکره صورت گیرد. مهم‌تر اینکه هنوز تکلیف توافق هسته‌ای قبلی یعنی برجام روشن نشده و معلوم نیست که در نهایت سرنوشت این توافق به کجا خواهد انجامید، اما در این میان چند پرسش هم مطرح می‌شود. نخست اینکه، قرار است اروپا مذاکره صورت گیرد؟ یا اروپایی‌ها تا دیروز بسته‌های تحریمی مختلفی علیه ایران بیرون می‌داد و پیش نویس قطعنامه ضد ایرانی در شورای حکام آژانس ارائه کرد؟ خوب است

◀ اخیراً برخی رسانه‌ها مطرح کرده‌اند که مقامات ایرانی و اروپایی روز جمعه در ژنو مذاکرات هسته‌ای را از سر خواهند گرفت، در شرایطی که چندی پیش شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه‌ای با فشار غربی‌ها علیه ایران صادر کرد، شرایط برای مذاکره مهیا است؟

به نظر می‌آید که با توجه به اتفاقاتی که رخ می‌دهد مقداری شاهد نوسدارو بعد از مرگ سهراب هستیم. هرچند که امیدواریم چنین نباشد وان‌شاء... که اثربخش باشد و خداکمم کند که این ماجرا ختم بخیر شود. آنچه که الان می‌توانیم از وضعیت ترسیم کنیم لجاجت اتحادیه اروپا است که به رغم آمدن آقای گروسی به تهران که تا حدودی وی را تحویل گرفتند و از فردو و نظرم به بازدید کرد و دیدار و گفت‌وگویی هم با رئیس‌جمهور برای گروسی ترتیب دادند و حتی این وعده داده شد که ذخیره‌سازی ۶۰ درصدی را کاهش می‌دهند و شرط استفاده نکردن سانتریفویژهای پیشرفته هم در گفت‌وگوها مطرح شد با همه این داستان‌ها باز می‌بینیم نظر ترونیکی اروپایی به علاوه آمریکا بر این قرار می‌گیرد که قطعنامه علیه ایران صادر بشود. البته لحن قطعنامه هم چندان تند نبود، اما باز هم یک فرصت را در نظر گرفتند که مدبرکل آژانس گزارش پیشرفت کار بدهد که چگونه با ایران عمل کرده است. ولی در این فاصله می‌توان گفت که سنگ بنای فعال سازی مکانیزم ماشه را بنا نهاده‌اند و ممکن است که این کار را اجرایی کنند. حال‌در چنین وضعیتی که اروپایی‌ها به این شرایط رسیده‌اند و از طرف دیگر هم آمریکای ترامپ بر اساس سوابقی که داشته و سابقه چندان مطلوبی از وی سراغ نداریم، نمی‌توان چندان خوشبین بود که در مواجهه با غربی‌ها اتفاقات چندان مثبت و خوشایندی رخ دهد. این موقعیت فعلی ماست. یعنی شرایط موجود شرایط مطلوبی نیست و وضعیت در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. اصلاً می‌خواهیم برویم توافق قبلی را احیا کنیم چه باید بگوییم؟ بگوییم همین قول‌هایی را که در تهران به آقای گروسی دادیم به شما می‌دهیم؟ چه قولی بالاتر از این می‌خواهیم بدهیم که مورد قبول آنها قرار بگیرد؟ یعنی چیزی فراتر از این را می‌خواهند مورد بحث قرار دهند؟ اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در مقطعی گفتند که علاوه بر مساله هسته‌ای وارد فضای گفت‌وگوی مربوط به منطقه هم بشویم که ما در منطقه هم دچار بحث‌های جدی شدیم و بحث نیابتی‌ها و... پیش آمد که می‌خواهیم با شما مباحث کنیم. یعنی آن چیزی که آقای لاریجانی مطرح کرده که با حاضریم با آمریکایی‌ها گفت‌وگوی جدیدی راجع به برجام داشته باشیم و راجع به منطقه هم با آقای نیبه بری صحبت کرده و آقای هوکشتاین نماینده ویژه آمریکا در منطقه آمده و گفت‌وگویی هم با آقای نیبه بری داشته، در مجموع از اخبار چنین بر می‌آید که توافق کرده‌اند که قطعنامه ۱۷۰۱ اجرایی بشود و حزب... تا پشت رودخانه لیتانی عقب نشینی کند.

لذا ابعاد مسائلی که می‌خواهد مورد بحث قرار بگیرد چندان مشخص نیست که راجع به چه چیزی می‌خواهند صحبت کنند. از طرفی آقای دکتر عراقچی به پرتغال سفر می‌کند و این سوال را ایجاد می‌کند که پرتغال چه نقشی در این مساله دارد؟ آیا قرار است اتحادیه اروپایی در پرتغال با

خوب است دولت که قصد مذاکره دارد، روشن کند که با وجود همه این مشکلات دقیقاً از چه مسیری می‌توان گفت‌وگو کرد و از سطح تنش کاست؟

armanmeli.ir



که به این مسائل توجه لازم مبذول گردد، چراکه قطعاً اروپایی‌ها محض رضای خدا و خوشامد ایران پای میز مذاکره نخواهند آمد و مسلماً آنچه را که در برجام بود هم نخواهند پذیرفت. هرچند که به فرانت مسابری از تحلیلگران اروپایی‌ها در این میان نقش خاص و تعیین‌کننده ندارند و به‌طور کلی تصمیم‌گیر نیستند و اگر مذاکره‌ای هست باید با آمریکا باشد که نقش برادر بزرگ‌تر آنها را ایفا می‌کند. در همین راستا برای بررسی مذاکرات احتمالی پیش رو، نوع مواجهه ایران و غرب و آنچه در سپهر سیاست بین‌المللی می‌گذرد، «آرمان ملی» با سیدجلال ساداتیان سفیر پیشین ایران در انگلیس و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

◀ اگر توافقی هم بشود، ترامپ ممکن است دوباره زیر میز بزند، بایدن هم وضعیت جنگی و تشدید تنش را در پیش گرفته، چگونه و با چه کسی باید صحبت و توافق کرد؟

آقای عراقچی صحبت کند و گفت‌وگوها آنجا شکل بگیرد یا مساله چیز دیگری است؟ لذا ابعاد کار حداقل برای من شناخته شده نیست و نمی‌دانم. به نظر می‌رسد انتشار اخبار در این باره با محدودیت مواجه بوده است. اینکه بخواهیم تحلیل کنیم، باید بر اساس حداقل داده‌هایی باشد که داریم که آقایان می‌خواهند بر اساس چه چیزی صحبت کنند. لذا ابهامات بسیاری وجود دارد و دستور کار هم مشخص نیست. چیزی که به نظر می‌رسد با آقای گروسی درخصوص مساله هسته‌ای و آقای دکتر لاریجانی هم با مقامات لبنانی راجع به مسأله فلسفه حزب... گفت‌وگو کردند. حال نکته اینجا است که آیا ادامه آن گفت‌وگوها در دستور کار قرار گرفته و توافقاتی حاصل شده می‌خواهند در گفت‌وگوهای پیش‌رو به جزئیاتش بپردازند یا مطلب چیز دیگری است؟ گمانه‌زنی‌ها فقط به این سمت می‌رود که حوزه گفت‌وگوها احتمالاً چه چیزهایی می‌تواند باشد.

◀ با توجه به آنچه در شرایط حاضر میان ایران، اروپا و آمریکا می‌گذرد می‌توان به این امر امیدوار بود که توافقی شکل گیرد که در آن طرفین به آن پایبند باشند؟

من معتقدم با آمریکای بایدن دیگر جای گفت‌وگو نیست برای اینکه یک ماه و نیم باقی مانده و هر توافقی هم که انجام شود رئیس‌جمهور بعدی می‌تواند آن را کنار بگذارد. آقای ترامپ هم که هنوز سر کار نیامده، در نتیجه در این دوران برزخی و دوران‌گذار چه توافقی ممکن است حاصل شود؟ ضمن اینکه به نظر می‌رسد آقای ایدن برخلاف آنچه که آقای ترامپ اعلام کرده به اینکه به جنگ اوکراین و غزه را پایان خواهد داد، آقای بایدن ارسال سلاح‌های بیشتر به اوکراین و اجازه استفاده از موشک‌های دوربرد برای زدن عمق خاک روسیه صادر کرده و موشک‌های جدید دیگری هم در اختیارشان گذاشته است.

لذا در اوکراین بایدن برخلاف ادعا و خواست ترامپ کار می‌کند. به عبارت دیگر شرایط به شکل برزخی درآمده است که با توجه به ابهامات موجود، راجع به توافق هسته‌ای با ایران هم نمی‌توان صحبت کرد. راجع به منطقه هم گفته می‌شود که آقای هوکشتاین نماینده آمریکا با آقای نیبه بری حسب آن چیزی که اخبار می‌گوید، به توافق رسیده است.

به توافق رسیده‌اند که حزب... تا پشت رودخانه لیتانی عقب نشینی کند. اگر داستان این است که قبلاً صحبت‌ها شده و راجع به چه چیز جدیدی قرار است صحبت کنند؟ در حالی که ما شاهد این هستیم که حزب... کماکان در بعد زمینی مقاومت می‌کند و اسرائیل نتوانسته جلو بیاید ولی تخریب‌های اسرائیل در بعد هوایی ادامه دارد. همین شامگاه شنبه مرکز بیروت و یک ساختمان هشت طبقه را زده و تعدادی شهید و مجروح بر جای گذاشته است. همان‌طور که گفته شد ابعاد مساله که راجع به چه چیزی می‌خواهند صحبت کنند و دستور کار چه خواهد بود، برای شخص خود من روشن نیست.

اگر واقعاً قرار است امتیازاتی را بدهند که به توافقاتی برسند درست است. امتیازاتی که باید بدهند و بگیرند در میز مذاکره باید مشخص می‌شود ولی بد نبود که برای گفت‌وگوهای احتمالی، روشن می‌کردند که می‌خواهند در چه محورهایی و تا کجا گفت‌وگو کنند.

آرمان ملی

سیاست

دره‌بین

خیز ترامپ برای فشار حداکثری

۳ سناریوی تهران

در پایان اوت ۲۰۲۴، گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) نگرانی‌ها در باب توسعه برنامه هسته‌ای ایران را افزایش داد. این گزارش از عدم همکاری (ادعایی) ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انتقاد کرده و هشدار داده که اگر ایران سطح غنی‌سازی اورانیوم خود را در شرایط فعلی افزایش دهد، قادر به عبور از آستانه گریز هسته‌ای است. هم‌زمان، عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران با بیان اینکه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دیگر قابل احیا بدون شکل‌دهی نیست، بر ضرورت مذاکره مجدد در بخش‌هایی از توافق هسته‌ای تأکید کرد. به ادعای این موسسه مطالعاتی، گزارش ادعایی نهاد یادمانی نشان از آن دارد که تهران دیگر مفاد مندرج در توافق سال ۲۰۱۵ را لحاظ نمی‌کند و در واکنش به عهدشکنی غرب، به تعهدات خود ذیل این توافق پایان داده است. این تحولات در شرایطی جریان دارد که منطقه به واسطه جنگ اسرائیل در غزه و لبنان و همچنین رویارویی‌های اسرائیل و ایران بی‌ثبات است. به ادعای شورای امور جهانی خاورمیانه ترور رهبران برجسته حماس و حزب... احتمالاً رهبران ایران را متقاعد کرد تا با هدف افزایش اثربخشی بازآرندگی مستقیم و غیرمستقیم خود علیه اسرائیل در دکترین خود تجدید نظر کنند.

اهرم‌های تهران

به ادعای شورای امور جهانی خاورمیانه فعل و انفعالات خاورمیانه به محافل سیاسی در ایران کمک می‌کند تا امکان و ضرورت فراینده‌ای تغییر دکترین هسته‌ای ایران را تبیین کند. با این حال، مهم‌ترین عاملی که احتمالاً تصمیم نهایی در باب تغییر دکترین هسته‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد، درک تهدیدهای جاری است. در ماه‌های پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، رهبران ایران در ابتدا خوش‌بین بودند که تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی – با فشار دیپلماتیک بر اسرائیل و فشار نظامی اعضای «محور مقاومت» – زمینه را برای تغییرات معنادار در منطقه هموار کرده و توازن قوا را به نفع ایران و مقاومت بازتعریف می‌کند. با این همه، رویکرد اسرائیل موجهی شد تا در این زمینه تردیدهایی ایجاد شود. حمله این بازیگر به لبنان نشان داد فشارهای دیپلماتیک تأثیر چندانی بر رویکرد نظامی – امنیتی اسرائیل نداشته است. وضعیت موجود پس از ۱۷ اکتبر، پیامدهایی فراتر از بازآرندگی نامتقارن ایران داشته باشد. ناظران مدعی‌اند، پیروزی ادعایی اسرائیل در جنگ می‌تواند کشورهای عربی را به از سرگیری همکاری رسمی با اسرائیل سوق دهد. این تغییر سناریویی را ایجاد می‌کند که در قایش ممکن است ائتلاف اعراب و اسرائیل تعریف شود. به‌رغم ارتباط دیپلماتیک مستمر تهران با کشورهای عربی، چنین ائتلافی درک قدرت و نفوذ ایران را در منطقه به‌عنوان تهدید برای پادشاهی‌ها را افزایش خواهد داد. این تحولات احتمالاً موجب خواهد شد تا حامیان تغییر دکترین هسته‌ای ایران اهرم قدرتمندتری در اختیار داشته باشند. به ادعای این موسسه مطالعاتی، تصمیم برای تغییر دکترین هسته‌ای، برای ایران آسان نخواهد بود. بازرسی‌های گسترده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، همراه با اقدامات بازدارنده‌ای و تئورهای اخیر نشان می‌دهد که هر حرکتی به سمت گذار هسته‌ای می‌تواند طرف مقابل را جسورتر کند و دست به اقدام بزند. از همین رو، ایران ممکن است رویکرد تدریجی‌تری را انتخاب کرده و ظرفیت غنی‌سازی خود را بدون قطع رسمی دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا خروج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) افزایش دهد. این استراتژی زمان‌مورد نیاز برای گریز هسته‌ای را کاهش می‌دهد و در عین حال تولید سایر اجزای کلیدی لازم برای تغییر دکترین هسته‌ای، مانند سیستم‌های تحویل و ساختارهای فرماندهی و کنترل را نیز پیش می‌برد. به ادعای ناظران در این سناریو، ایران به یک دولت آستانه تمام‌عیار تبدیل می‌شود که برخی تحلیل‌گران ایرانی آن را به عنوان استراتژی بازآرندگی هسته‌ای نهفته در برابر حملات بیرونی علیه زیرساخت‌های غیرنظامی و هسته‌ای توصیف می‌کنند. در چنین شرایطی اگر حمله‌ای صورت گیرد، تهران به سرعت گام نهایی را در راستای تغییر دکترین هسته‌ای خود برمی‌دارد. سناریوی دوم این است که ایران ممکن است منتظر حمله نباشد و در عوض ابتکار عمل را برای گریز هسته‌ای در دست بگیرد. در حالی‌که این خطر حمله ادعایی به تاسیسات هسته‌ای ایران را به همراه دارد اگر مقامات ایران بر این باورند که چنین حمله‌ای اجتناب‌ناپذیر است، ممکن است پیشرفت برنامه هسته‌ای را به عنوان گزینه‌ای مناسب‌تر در نظر بگیرند. سناریوی سوم می‌تواند شامل رویکرد دیپلماتیک جدید از سوی تهران باشد. مقامات ایرانی به ویژه مسعود پزشکیان اخیراً تمایل و آمادگی خود را برای از سرگیری مذاکرات دیپلماتیک با کشورهای غربی به‌ویژه در مورد موضوع هسته‌ای ابراز کرده‌اند. در حالی‌که علاقه ایران به دیپلماتی موضوع جدیدی نیست.

ترامپ و دکترین هسته‌ای ایران

انتخابات اخیر ریاست جمهوری ایالات متحده و تغییر دولت واشنگتن نیز یک عامل بسیار مهم است. انتشار مجدد دونالد ترامپ، با توجه به سابقه سیاست «فشار حداکثری» علیه ایران، می‌تواند تنش‌ها را تشدید کند و به‌طور بالقوه تغییر دکترین هسته‌ای تهران را محتمل‌تر کند. در چنین شرایطی از یکسو، برخی در ایران ممکن است استدلال کنند که این کشور باید از قبل و پیش از ورود ترامپ به کاخ سفید زمینه را برای گریز هسته‌ای هموار کند تا موقعیت خود را در برابر دولت آینده ایالات متحده تقویت کند. از سوی دیگر، حمایت قوی ترامپ از اسرائیل – به‌ویژه از کابینه نخست‌وزیر اسرائیل – می‌تواند تل آویو را جسورتر کند. چنین اقدامی ممکن است کاتالیزور نهایی باشد که عزم تهران را برای تغییر دکترین هسته‌ای هموار می‌کند.